



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد
رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

بررسی مبانی فقهی فتاوی امام خمینی در رابطه با مالکیت و استفاده از انفال به ویژه معادن در قبل و بعد از انقلاب اسلامی

استاد راهنما:

دکتر محمد امین فرد

استاد مشاور:

دکتر حسین ایمانی

پژوهشگر:

زینب مشکانی

شهریور ۱۳۸۹

تبریز / ایران



**Ministry of sciences, Researches, and Technology
Azarbayjan University of Tarbiat moallem
Department of the Faculty of Theology**

**A Thesis Presented to the Department of jurisprudence and law in partial
fulliment of the reguirments for the degree master of arts.**

in

Gravitation jurisprudence and foundations of Islamic law

**Study of jurisprudence basis of Imam Khomeinis judgments
regarding ownership and use of Anfall especially mines before
and after the Islamic Revolution**

Supervisor

Mohammad Aminfard(ph.d.)

Consultant

Hosin Imani(ph.d.)

By:

Zeynab Mashkani

Aug /۲۰۱۰

Tabriz / Iran

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم به

مادرم

تشکر و قدر دانی

«الحمد لله الذی لا یبلغ مدحته القائلون و لا یؤدی حقه المجتهدون،

الذی لا یدرکه بعد الهمم و لا یناله غوص الفطن»

«نهج البلاغه: خطبه‌ی ۱»

بعد از سپاس و عرض عبودیت به پیشگاه خالق بی همتا که اول است و پیش از او چیزی وجود نداشت و آخر است و بعد از او موجودی نخواهد بود، از باب اینکه « من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق » بر خود فرض می‌دانم از الطاف بیکران و زحمات بی دریغ و بی شائبه‌ی اساتید بزرگوارم به ویژه جناب آقای دکتر محمد امین فرد در مقام استاد راهنما که با وجود مشغله‌های کاری فراوان، در طی این پایان‌نامه مرا بسیار مورد لطف قرار دادند و همچنین جناب آقای دکتر حسین ایمانی در مقام استاد مشاور کمال تقدیر و تشکر را بنمایم و چنانکه مولای متقیان علی(ع) فرمودند: «من علمنی حرفا قد سیرنی عبدا» با اینکه توفیق جبران زحمات ایشان برایم حاصل نیست کسب توفیقات روز افزون و رستگاری دنیا و آخرت را برای ایشان از خداوند متعال مسئلت دارم.

زینب مشکانی

شهریور ۱۳۸۹

تبریز / ایران

چکیده

انفال شامل زمین‌های موات، اموالی که بدون خونریزی به دست آیند، کوهها، جنگل، دره‌ها، سواحل رودخانه‌ها و دریاها و معادن و... است. در مورد مالکیت معادن سه نظر وجود دارد. گروهی بر این عقیده‌اند که معادن جزء مباحات است. گروهی می‌گویند از ملک تبعیت می‌کند و بر طبق قول سوم کل معادن از انفال است. که قول مختار این است که معادن اعم از ظاهری و باطنی مطلقاً جزء انفال است. امام خمینی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی معتقد بودند که معادن (حتی نفت و...) با پرداخت خمس به مالکیت افراد حقیقی در می‌آید ولی بعد از انقلاب اسلامی معادن را به دو دسته‌ی بزرگ و کوچک تقسیم کردند و معادن بزرگ مثل نفت را از مالکیت افراد خارج دانستند و با مراعات سایر احکام و حقوق فرد دولت را مالک آن دانستند. این تغییر فتوا اولاً دارای ادله و مبانی فقهی است و ثانیاً به خاطر تأثیر حکومت در شناخت احکام و اجتهاد است.

کلید واژه‌ها: مالکیت، انفال، فیء.

زینب مشکانی

شهریور ۱۳۸۹

تبریز /

ایران

فهرست مطالب

عنوان	شماره‌ی صفحه
۱- کلیات و مفاهیم	
۱-۱- مقدمه.....	۱
۲-۱- پیشینه‌ی تحقیق.....	۵
۳-۱- مالکیت.....	۷
۱-۳-۱- انواع مالکیت.....	۹
۱-۳-۱-۱- مالکیت حقیقی.....	۸
۲-۱-۳-۱- مالکیت اعتباری.....	۸
۲-۳-۱- انواع مالکیت اعتباری در اسلام.....	۱۰
۱-۲-۳-۱- مالکیت خصوصی.....	۱۰
۲-۲-۳-۱- مالکیت عمومی.....	۱۴
۳-۲-۳-۱- مالکیت دولتی.....	۱۵
۴-۱- تعریف انفال.....	۱۶
۱-۴-۱- علت نامگذاری این اموال به انفال.....	۱۷
۵-۱- فیه.....	۱۸
۱-۵-۱- تعریف فیه.....	۱۸
۲-۵-۱- علت نامگذاری فیه.....	۱۹
۳-۵-۱- فیه از مصادیق انفال.....	۲۱
۶-۱- غنیمت.....	۲۱
۱-۶-۱- تفاوت فیه با غنیمت.....	۲۲
۲-۶-۱- رابطه‌ی غنیمت با انفال.....	۲۳
۲- مصادیق انفال	

- ۲۵-۱-۲ زمین‌های موات..... ۲۵
- ۲۵-۱-۱-۲ انواع زمین موات..... ۲۵
- ۳۰-۱-۲ مبانی انفال بودن زمین‌های موات..... ۳۰
- ۳۲-۲ اموالی که بدون جنگ و خونریزی از کفار مسلمانان می‌رسد..... ۳۲
- ۳۳-۱-۲-۲ بیان دیدگاه‌ها..... ۳۳
- ۳۷-۲-۲-۲ مبانی فقهی..... ۳۷
- ۴۳-۳-۲ کوه‌ها، جنگل‌ها و دره‌ها..... ۴۳
- ۴۴-۱-۳-۲ آیا کوه، جنگل و دره‌ها هر کجا واقع شوند جزء انفال هستند..... ۴۴
- ۵۷-۲-۳-۲ مبانی فقهی..... ۵۷
- ۴-۲-۴ سواحل دریاها و رودخانه‌ها..... ۴۸
- ۴۹-۱-۴-۲ مبانی فقهی..... ۴۹
- ۵۱-۵-۲ زمین‌های بدون مالک..... ۵۱
- ۵۱-۱-۵-۲ مبانی فقهی..... ۵۱
- ۵۴-۶-۲ قنایع و صفایای پادشاهان که در جنگ به دست مسلمانان افتاده است..... ۵۴
- ۵۴-۱-۶-۲ مبانی فقهی..... ۵۴
- ۵۶-۲-۶-۲ آیا فقط قنایع و صفایای پادشاهان جزء انفال است یا همه‌ی اموال آن‌ها..... ۵۶
- ۵۷-۳-۶-۲ شرط انفال تعلق داشتن قنایع و صفایای پادشاهان به امام..... ۵۷
- ۵۸-۷-۲ ارث بدون وارث..... ۵۸
- ۵۸-۱-۷-۲ مبانی فقهی..... ۵۸
- ۵۹-۸-۲ آنچه امام از غنیمت جنگی بر می‌گزیند..... ۵۹
- ۶۰-۱-۸-۲ مستندات و مبانی فقهی..... ۶۰
- ۶۱-۹-۲ غنایم به دست آمده از جنگی که بدون اذن امام واقع شده است..... ۶۱
- ۶۲-۱-۹-۲ مبانی فقهی..... ۶۲
- ۶۳-۲-۹-۲ بیان نظر مخالفین در رابطه با غنایم جنگ بدون اذن امام..... ۶۳

- ۱۰-۲- معادن..... ۶۵
- ۱-۱۰-۲- اقسام معدن..... ۶۵
- ۲-۱۰-۲- دیدگاه‌های مختلف در رابطه با معادن..... ۶۶
- ۱-۲-۱۰-۲- دیدگاه اوّل..... ۶۶
- ۲-۲-۱۰-۲- دیدگاه دوّم..... ۷۱
- ۳-۲-۱۰-۲- دیدگاه سوّم..... ۷۷
- ۳-۱۰-۲- نظر امام خمینی در رابطه با تابعیت معادن از زمین تحت تملک..... ۷۸
- ۴-۱۰-۲- قابلیت تبدیل و توسعه در انفال..... ۸۳
- ۳- مالکیت انفال- تصرف در انفال**
- ۱-۳- مالکیت انفال در دوران حضور معصوم(ع)..... ۸۶
- ۱-۱-۳- مبانی فقهی..... ۸۷
- ۲-۱-۳- انفال ملک منصب..... ۹۴
- ۱-۲-۱-۳- نوع مالکیت انفال از نظر امام خمینی..... ۹۸
- ۲-۲-۱-۳- چرا انفال به رهبر تعلق دارد..... ۹۹
- ۲-۳- حکم تصرف در انفال در دوران حضور معصوم(ع)..... ۱۰۳
- ۳-۳- مالکیت انفال در دوران غیبت معصوم(ع)..... ۱۰۵
- ۱-۳-۳- فتوای امام خمینی در رابطه با مالکیت انفال در دوران غیبت..... ۱۰۵
- ۲-۳-۳- حکومت اسلامی در دوران غیبت..... ۱۰۹
- ۱-۲-۳-۳- ضرورت تشکیل حکومت اسلامی..... ۱۰۹
- ۱-۲-۳-۳- الف- بیان دلیل عقلی از نظر امام خمینی در ضرورت تشکیل حکومت اسلامی..... ۱۱۰
- ۲-۲-۳-۳- شرایط زمامدار جامعه‌ی اسلامی..... ۱۱۲
- ۲-۲-۳-۳- الف- شرایط زمامدار حکومت اسلامی از نظر امام خمینی..... ۱۱۴
- ۳-۲-۳-۳- نیابت فقیه جامع الشرایط از جانب معصوم(ع)..... ۱۱۶
- ۴-۲-۳-۳- اختیارات ولی فقیه در دوران غیبت..... ۱۱۸

- ۳-۳-۲-۴-الف- گستره‌ی اختیارات ولی فقیه از نظر امام خمینی..... ۱۲۰
- ۳-۳-۳- مبنای امام خمینی در فتوایشان بعد از انقلاب اسلامی در اینکه اختیار انفال را به حکومت اسلامی دادند..... ۱۲۱
- ۳-۴- حکم تصرف در انفال در دوران غیبت..... ۱۲۶
- ۳-۴-۱- بیان فتوای امام خمینی(ره)..... ۱۲۶
- ۳-۴-۲- حکم تصرف در انفال از نظر فقها..... ۱۲۷
- ۳-۴-۲-۱- علت اختلاف اقوال..... ۱۳۶
- ۳-۴-۳- نظر صحیح..... ۱۳۷
- ۳-۴-۳-۱- حالت اول: حکم تصرف در انفال در صورتی که حکومت اسلامی برقرار است..... ۱۳۸
- ۳-۴-۳-۱-الف- بیان فتوای امام خمینی در رابطه با تصرف در انفال بعد از انقلاب اسلامی و مبنای آن..... ۱۳۸
- ۳-۴-۳-۲- حالت دوم: حکم تصرف در انفال در صورتی که حکومت، حکومتی غیراسلامی است..... ۱۴۰
- ۳-۴-۳-۲-الف- مبانی فقهی اباحت انفال در دوران عدم حضور حکومت اسلامی..... ۱۴۰
- ۳-۴-۳-۲-ب- فتوای امام خمینی در رابطه با حکم تصرف و مالکیت انفال قبل از انقلاب اسلامی..... ۱۴۴
- ۳-۴-۴- دلیل تفصیل بین دوران حضور و عدم حضور حکومت اسلامی..... ۱۴۶
- ۳-۴-۵- رد ادله‌ی سایر اقوال..... ۱۵۰
- ۳-۴-۶- چرا تصرف در انفال از جانب ائمه(ع) در دوران عدم حضور حکومت اسلامی مباح شد..... ۱۵۲
- ۳-۵- نتیجه‌ی کلی..... ۱۵۶
- ۳-۵- فهرست منابع..... ۱۵۸

۱-۱ - مقدمه:

از جمله مباحث فقهی که در طول تاریخ اسلام به دلیل جوّ سیاسی حاکم بر جامعه؛ شرایط مختلفی پیدا کرده است؛ بحث تصرف در انفال می‌باشد. حکم اولیّه در رابطه با تصرف در انفال به دلیل تعلق داشتن آن به امام به عنوان رهبر حکومت اسلامی؛ این است که هرگونه تصرف در این اموال از جانب مردم غیر شرعی است و کسی حق ندارد در این اموال بدون اذن مالک آن تصرف نماید. اما در دوران غیبت صاحب عصر(ع) شرایطی به وجود آمده که از یک سو شیعیان به این اموال نیاز دارند و از سوی دیگر به دلیل عدم دسترسی به امام به عنوان صاحب اختیار این اموال؛ اگر حکم همچنان بر حرمت اولیّه باقی بماند شیعیان با مشکل مواجه خواهند شد و در حالی که دیگران آزادانه از این اموال استفاده می‌نمایند؛ ایشان باید محروم باشند؛ به همین دلیل نیز فقها با توجه به این شرایط و با تکیه بر روایات رسیده از ائمه(ع) در این زمینه؛ حکم به تحلیل این اموال در دوران غیبت به نحو مطلق داده و تصرف در این اموال را بر شیعیان جایز دانستند.

امام خمینی(ره)؛ به عنوان یک فقیه جامع الشرایط در این زمینه دو فتوای متفاوت دارد. ایشان قبل از انقلاب اسلامی همانند فقهای گذشته حکم به اباحه و تحلیل مطلق انفال می‌دهند و شیعیان را مجاز به استفاده از این اموال می‌دانند؛ اما بعد از انقلاب اسلامی این اموال را در اختیار حاکم اسلامی قرار داده و هرگونه تصرف در آن را از سوی مردم منع می‌نمایند.

هدف از تحقیق حاضر این است که ضمن اینکه حکم تصرف در این اموال را در دوران غیبت مشخص می‌کند؛ مبانی فقهی امام(ره) را در فتاوایشان مورد بررسی قرار می‌دهد؛ تا بتواند یک قاعده‌ی کلی را از این دلایل استنباط کرده و در نتیجه آن را در همه‌ی شرایط جاری سازد؛ بر این اساس برای اینکه در این باره، تحلیل درستی از نظر و فتاوی‌ای ایشان و دلایلیشان در این فتاوا صورت گیرد؛ این پایان‌نامه در سه فصل تنظیم شده است:

در فصل اول، کلیات و مفاهیم که حاوی مقدمه، شرح اصطلاحات کلی همچون مالکیت، تعریف آن و انواع مالکیت در اسلام، تعریف لغوی و فقهی انفال، تعریف فیء و غنیمت و رابطه‌ی این دو مورد با انفال پرداخته شده است. در فصل دوم از این پایان‌نامه مصادیق انفال با توجه به عبارات فقها و آنچه که به صراحت در روایات آمده است؛ بیان شده است که در هر مورد به بیان و بررسی آراء و فتاوی‌ای امام خمینی(ره) پرداخته شده است و همچنین ذکر شده است که مصادیق انفال قابل تبدیل و توسعه بوده و منحصر در آنچه که ذکر شده؛ نمی‌شود؛ و با دریافت ملاک واحدی از آنچه که در باب مصادیق انفال به صورت نص آمده است می‌توان مصادیق دیگری را که توسط ائمه(ع) بیان نشده به این موارد افزود و حتی ممکن است چیزی در زمانی جزء انفال نباشد ولی در زمان دیگر به دلایلی جزء انفال محسوب شود.

در فصل سوم این پایان‌نامه به بررسی مالکیت انفال و حکم تصرف در آن با توجه به فتاوی‌ای امام خمینی(ره) به طور کلی و به ویژه در دوران غیبت پرداخته شده است و با ارائه‌ی دلیل ثابت شده است که حکم مالکیت و تصرف در انفال در دوران وجود حکومت اسلامی(هرچند رهبر آن معصوم نباشد) و

عدم حضور حکومت اسلامی متفاوت است و بر این اساس است که امام(ره) قبل و بعد از انقلاب اسلامی دو حکم و فتوای متفاوت در رابطه با انفال داده‌اند. در پایان نیز نتیجه‌ی کلی بیان شده است.

ضرورت تحقیق:

اسلام و جامعه‌ی اسلامی نظام و مکتبی است که همانند هر مکتب دیگر برای اداره‌ی جامعه نیاز به سرمایه و بودجه دارد؛ که بخشی از سرمایه‌ی حکومت در این مکتب انفال است زیرا قسمت عمده و مهم ثروت کشور جزء اموالی است که از مصادیق انفال به شمار می‌آید و سرپرست این اموال نیز رهبر جامعه‌ی اسلامی است؛ به این جهت که رهبری جامعه را بر عهده دارد.

مطالعه در رابطه با انفال شاید در سده‌های گذشته به ویژه از زمان شروع غیبت کبری تا کنون ضرورتی نداشت و و دلیل آن نیز این است که بعد از غیبت حضرت ولی عصر(ع) و حتی قبل از آن نیز با اینکه ائمه(ع) خود در جامعه حضور داشتند، چیزی به نام حکومت اسلامی بر سر کار نیامد و به همین دلیل نیز فقها نیازی ندیدند که در این رابطه به بحث بپردازند و فقط به روایات رسیده در تحلیل این اموال برای شیعیان در این باره اکتفا کرده؛ و حکم به تحلیل و اباحه‌ی این اموال دادند. و این دوره‌ی زمانی نیز به این دلیل که مدت زمانی طولانی بود و به عبارتی حکومت بر مردم همیشه حکومتی غیر اسلامی بود؛ حکم به اباحه از جانب فقها همچنان ادامه پیدا کرد به نحوی که کم‌کم گمان بر این رفت که تصرف در این اموال در دوران غیبت به نحو مطلق مباح است و این اباحه تا زمان ظهور حضرت صاحب(عج) ادامه دارد.

اما در عصر کنونی به ویژه در کشور ما که حاکمیت جامعه با ولایت فقیه است و به عبارتی حکومت، حکومتی اسلامی است؛ در نتیجه بار دیگر مکتب اسلام احیاء می‌شود(زیرا طبق اعتقاد شیعه ولی فقیه در دوران غیبت از جانب ائمه(ع) ولایت بر جامعه دارند) و حکومت در این مکتب همانند دوران حضور پیامبر(ص) نیاز به سرمایه دارد؛ بحث از انفال به عنوان سرمایه‌ی اصلی حکومت، نیاز به

بازنگری جدی دارد و به نظر نمی‌رسد که حکم به اباحه‌ی این اموال در دوران حضور حکومت اسلامی صحیح باشد.

لذا ضروری به نظر رسید که در باره‌ی انفال و به ویژه مالکیت و تصرف در این اموال در دوران غیبت؛ بررسی دقیق‌تری صورت گیرد و حکم تصرف در این اموال در صورت حاکمیت ولایت فقیه مشخص شود.

بیان مسئله:

امام خمینی(ره) قبل از انقلاب اسلامی طبق نظر مشهور شیعه، استفاده از انفال را در فتاوی خود برای همه‌ی مردم آزاد اعلام کرده و فرمودند: هر کس می تواند با احیا و حیات، مالک این اموال شود. اما بعد از انقلاب اسلامی با توجه به ضرورت‌های حکومت و الزامات ناشی از آن، این اموال را جزء اموال عمومی اعلام کرده و فرمودند: اختیار آن در دست رهبر بوده و کسی حق ندارد بدون اجازه ایشان در این اموال تصرف کند.

سؤالات اساسی:

۱- مالکیت انفال به طور کلی و به ویژه در دوران غیبت امام معصوم(ع) با چه کسی است؟ مبانی

فقهی آن چیست؟

۲- استفاده از انفال و تصرف در آن در دوران غیبت امام معصوم(ع) چه حکمی دارد؟ مبانی فقهی

آن چیست؟

۳- مبانی امام خمینی(ره) در فتاوی خود، قبل و بعد از انقلاب اسلامی در رابطه با مالکیت و

تصرف در انفال چیست؟

فرضیات:

۱- از دیدگاه اسلام و به ویژه شیعه، انفال اختصاص به رهبر حکومت اسلامی دارد و هیچ کس

بدون اذن ایشان نمی‌تواند در این اموال تصرف کند.

۲- تعلق داشتن انفال به رهبر حکومت اسلامی با دلایل شرعی از آیات و روایات ثابت شده است.

۳- امام خمینی(ره) قبل از انقلاب اسلامی به مردم به تاسی از رأی مشهور شیعه در استفاده و مالکیت انفال اذن می دهند و بعد از انقلاب با تحلیل عمیق تر و با توجه به الزامات حکومت، هر گونه تصرف در این اموال را بدون اذن ولی فقیه جایز نمیدانند.

۲-۱- پیشینه‌ی تحقیق

انفال، از جمله موضوعاتی است که ریشه در صدر اسلام به ویژه دوران تشکیل حکومت پیامبر(ص) در مدینه دارد. آیه‌ی اوّل سوره‌ی انفال، حکم کلی را بیان کرده است و روایات فراوانی نیز در این زمینه از ائمه(ع) رسیده است، به نحوی که در کتاب‌های حدیثی مثل وسائل الشیعه بابی مستقل به نام انفال گشوده شده و به بیان احادیث رسیده از ائمه(ع) در این باره در چهار باب مختلف پرداخته است، که باب اوّل مصادیق انفال را بیان کرده است، باب دوّم مالکیت این اموال را به امام(ع) داده است و مردم را از تصرف در آن منع نموده است، باب سوّم به بیان وجوب رساندن حقّ امام(ع) به ایشان پرداخته و باب چهارم تحلیل این اموال را به وسیله‌ی ائمه(ع) برای شیعیان بیان کرده است.

فقها نیز بر این اساس در زمینه‌ی انفال بحث کرده‌اند، اما نه به عنوان کتابی مستقل، بلکه بحث از آن را به کتاب خمس ملحق نموده‌اند. از کتاب‌هایی که نویسندگان آن در این باره تا حدودی مفصل بحث کرده‌اند می‌توان به جواهرالکلام، حقائق‌الناظره، مدارک‌الاحکام، مصباح‌الفقیه و مستندالشیعه اشاره کرد. اما فقهای متأخر بیشتر به این مسئله پرداخته و به تفصیل از آن بحث کرده‌اند که شاید علت، این باشد که در عصر کنونی اهمیت این اموال بیشتر از گذشته شناخته شده است، که می‌توان به کتاب‌های تفصیل‌الشریعه اثر آیت الله فاضل لنکرانی، مصباح‌الشریعه اثر آیت الله نمازی و هم چنین کتاب دلیل بر تحریرالوسیله اثر علی اکبرسیفی مازندرانی و هم چنین کتاب‌های انوارالفقاهه اثر آیت الله مکارم شیرازی، الخمس و الانفال آیت الله جوادی آملی و نورالمبین اثر نورالدین شریعتمداری اشاره کرد، که

در ذیل عنوان خمس به طور مفصل از انفال نیز بحث کرده‌اند. از این میان سه کتاب اوّل براساس کتاب تحریرالوسیله امام خمینی (ره) نگاشته شده‌اند و در واقع شرح بر این کتاب محسوب می‌گردند.

شایان ذکر است که در این کتاب‌ها بیشتر به بیان مصادیق انفال پرداخته شده و در رابطه با مالکیت انفال به اختصار بحث کرده، فقط اشاره‌ای داشته‌اند به اینکه این اموال به امام(ع) تعلق دارد که در دوران حضور امام(ع) نمی‌توان در این اموال تصرف کرد اما در دوران غیبت ایشان این اموال را برای شیعیان مباح کرده‌اند، که برخی فقها همانند حلبی و ابن جنید حتی تصرف در دوران غیبت را نیز بنا به دلایلی منع نموده‌اند و متأخرین نیز اشاره‌ای داشته‌اند به اینکه بعید نیست در دوران غیبت اختیار این اموال به دست فقیه باشد و با وجود اینکه ایشان اذعان داشته‌اند که انفال ملک منصب امامت است نه ملک شخص امام(ع)، اما در مورد تفاوت مالکیت و تصرف این اموال در دوران حضور حکومت اسلامی و حاکمیت ولایت فقیه و در دوران حکومت غیر اسلامی بحثی نکرده‌اند در حالی که حکم این اموال از نظر مالکیت و تصرف در این دو دوره که ما در فصل سوّم این پایان نامه بحث خواهیم کرد، متفاوت است.

مقالات بیشتر درباره مصادیق انفال(یک یا چند مصداق) بحث کرده‌اند. مثل مقاله «استقلال یا تبعیت معدن از زمین» آیت الله جوادی آملی، که در این مقاله درباره معدن و میزان تبعیت معادن از زمین بحث شده و نویسنده بر این عقیده است که معادن ماهیت مستقلی جدای از زمین دارند که متعلق به ملت‌های حال و آینده بوده و ثروت یک ملت محسوب می‌شوند، ثروتی که سرمایه است نه درآمد و همچنین مقاله «ثروت‌های عمومی یا انفال» نوشته سید مهدی سیدی که ایشان نیز در این مقاله بیشتر به بحث از معادن موجود در ایران پرداخته است، مقاله: «بازشناسی مفهوم انفال و رابطه آن با مراتع در فقه و حقوق» نوشته سید علی حسینی. در این مقاله نیز به بررسی انفال در روایات و مالکیت این اموال پرداخته شده و اشاره شده است که این اموال ملک منصب امامت بوده و در دوران غیبت به رهبر حکومت اسلامی تعلق دارد.

اما در علت تغییر فتوای امام خمینی(ره) در قبل و بعد از انقلاب اسلامی در رابطه با مالکیت و استفاده از این اموال، هیچ بررسی صورت نگرفته است.

امام خمینی(ره) به عنوان فقیه و مرجع تقلید درباره‌ی مالکیت و حلیت انفال، دو فتوای مختلف صادر کرده و انفال را قبل از انقلاب با پرداخت خمس آن قابل تملک به وسیله‌ی افراد دانسته ولی پس از انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی، فتوای دیگری صادر و از نظر اولی خود برگشته‌اند. این پایان‌نامه در صدد است ضمن تحلیل و تحقیق در مصادیق و مالکیت انفال، راز تغییر فتوای امام(ره) را از دیدگاه فقهی ارائه دهد.

۱-۳- مالکیت

در میان اشیاء و موجودات دو نوع رابطه می‌توان تصور کرد: ۱- رابطه‌ی حقیقی ۲- رابطه‌ی اعتباری.

رابطه‌ی حقیقی: امور حقیقی اموری هستند که دارای معادل خارجی و مصادیق عینی می‌باشند^۱. بنا به این تعریف روابط حقیقی، روابطی هستند که واقعیت خارجی دارند. به این صورت که در عالم تکوینی و حقیقی بین اشیاء وجود دارند و با به وجود آمدن اشیاء و موجودات شکل می‌گیرند. این رابطه را کسی نمی‌تواند از بین ببرد. و سلیقه افراد در ایجاد و تعویض آن نقشی ندارد. اعم از اینکه انسان به وجود چنین رابطه‌ای نیاز داشته باشد یا نیازی نداشته باشد.^۲

رابطه‌ی اعتباری: امور اعتباری اموری هستند که معادل عینی مستقیم در خارج ندارند.^۳ میان دو چیز در عالم ذهن و نه در عالم واقع وجود دارند. روابط اعتباری مجعول انسان است و به دلیل مجعول بودن قابل سلب و تعویض از طریق قرارداد می‌باشد. این روابط نیاز به جعل دارند و تا کسی آن را

۱- مطهری، مرتضی، مبانی اقتصاد اسلامی، انتشارات حکمت، ۱۴۰۳ ه.ق، ص ۱۳۹؛ طباطبایی، سید محمدحسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، انتشارات صدرا، مقاله‌ی ششم.

۲- سروش، عبدالکریم، فلسفه مالکیت، چاپ اول، ۱۳۵۹ بهار، ص ۹.

۳- مطهری، مرتضی، منبع قبلی؛ طباطبایی، سید محمدحسین، منبع قبلی.

جعل نکند، به وجود نمی‌آیند و جعل آن نیز از نیاز انسان به وجود چنین رابطه‌ای نشأت می‌گیرد.^۱ به عنوان نمونه برای چنین رابطه‌ای می‌توان به رابطه‌ی زوجیت، حکومت، وکالت و ... اشاره کرد. مالکیت نیز از جمله روابطی است که هم دارای مصداق حقیقی و هم دارای مصداق اعتباری می‌باشد که در ذیل به تعریف هر کدام از این‌ها پرداخته شده است.

۱-۳-۱- انواع مالکیت

۱-۱-۳-۱- مالکیت حقیقی: مالکیتی است که تابع محض مالک بوده و ارتباط آن نیازی به اعتبار اعتبارکننده نداشته و مالک نسبت به آن سلطه تامّ و تمام دارد.^۲ مالکیت به این معنا فقط به خداوند متعال تعلق دارد چون اگر کسی خالق شیء و هستی بخش آن باشد، مالک آن شناخته می‌شود و به طور طبیعی صاحب اختیار آن نیز است. خدا مالک جهان است و چون خالقیت او کامل است، مالکیت او هم کامل و بی حدّ و مرز است.^۳ خداوند متعال مالکیت خود را در آیات متعدد با عبارت-های مختلف بیان می‌کند برای مثال در جایی می‌فرماید: «آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال اوست»^۴ یا آیه‌ای که می‌فرماید: «آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال خداوند است»^۵، «ای قوم این شتر خداوند است اجازه دهید تا در زمین خدا بخورد»^۶، «و از مال خدا که به شما اعطا کرده، به آن‌ها بدهید»^۷، که به طور کلی این آیات، بیانگر مالکیت حقیقی کلی و جزئی خداوند نسبت به کلّ جهان هستی‌اند.

۱- سروش، عبدالکریم، فلسفه مالکیت، ص ۹.

۲- رضوی، سید محمدباقر، مکتب واسطه، حکومت و مالکیت در اسلام، قم، ص ۹۵.

۳- بهشتی، سید محمدحسین، مسئله مالکیت، انتشارات سید جمال، صص ۸-۷.

۴- «له ما فی السموات و الارض» حدید: ۵.

۵- «لله ما فی السموات و الارض.» یونس: ۶۸.

۶- «یا قوم هذه ناقة الله لكم فذروها تأکل فی ارض الله.» هود: ۶۴.

۷- «و ااتوهم من مال الله الّذی ااتاکم» نور: ۳۳.

۱-۳-۲- مالکیت اعتباری: مالکیتی است که در عالم، وجود عینی و خارجی ندارد. به عبارت دیگر در عالم تکوین به وجود نیامده و انسان است که به آن شکل و وجود می‌بخشد. یعنی انسان در بدو تولد مالک چیزی نیست تا با تولد او مالکیت او نیز به چیزهایی تعلق داشته باشد. بلکه برای داشتن مالکیت نسبت به چیزی، نیاز به کسب مالکیت و جعل چنین رابطه‌ای است.

اینک برای روشن تر شدن مفهوم مالکیت اعتباری به پاره‌ای تعاریف اشاره می‌کنیم:

الف) مالکیت رابطه‌ای است اعتباری که بشر میان خود و برخی اشیاء اطراف خود قائل است.^۱

ب) مالکیت رابطه‌ای است که انسان با اشیاء دارد.^۲

این تعریف خیلی عام است و وضعی یا حقیقی بودن رابطه را توضیح نمی‌دهد.

ج) مالکیت حقیقی است که شخص نسبت به عین خارجی مال دارد و می‌تواند هر نوع تصرفی را در آن بنماید و هر گونه انتفاعی از آن ببرد.^۳

نقدی که بر این تعریف می‌توان کرد این است که مالکیت «حق» نیست، زیرا مالکیت به وجود آورنده «حق» و «نتیجه‌ی مالکیت است و خود مالکیت حق محسوب نمی‌شود. ضمناً تعریف او شامل منفعت نمی‌شود در حالی که منافع نیز قابل تملک هستند.

د) مالکیت عبارت است از محکم‌ترین و عمیق‌ترین رابطه‌ای که میان انسان و شیء برقرار است به طوری که انسان بتواند بدون هیچ گونه مانعی در آن تصرف کند و نسبت به شیء مملوک آزادی کامل داشته باشد.^۴

ایراد تعریف فوق این است که می‌گوید: مالکیت رابطه‌ای است که میان انسان و شیء برقرار است حال آنکه مالکیت رابطه‌ای است که قرار داده می‌شود.

۱- مطهری، مرتضی، نظری بر اقتصاد اسلامی، انتشارات صدرا، ص ۵۰.

۲- علی زاده اشکوری، ذبیح الله، حقوق مدنی ۲، فردوسی، تهران، ص ۲۵.

۳- سبحانی، حسن، دغدغه‌ها و چشم اندازهای اقتصاد اسلامی، سمت، تهران، ۱۳۸۰، ص ۷۰.

۴- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶، ج ۱، ص ۱۰۷.